

نقد و بررسی مستندات قانون مجازات اسلامی در خون‌بهای مسلمان*

محمدجواد عنایتی راد^۱

عضو هیأت علمی دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

Email: enayati1426@yahoo.com

دکتر علی مظهر قراملکی

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران

دکتر سید محمدرضا امام

استادیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران

چکیده

قانون مجازات اسلامی، برگرفته از فتاوی مشهور فقیهان شیعه، همه موارد شش‌گانه خون‌بهای مسلمان را «اصل» دانسته و بزه کار را در انتخاب هر یک از این موارد، آزاد گذارده است.

در نوشتار پیش رو، مستندات فتاوی بالا، طبق ضوابط اجتهاد، نقد و بررسی شده و از نظریه اصالت دینار، در عصر رواج پول، همراه با ذکر دلایل آن، دفاع شده و بر این اساس راه جمع روایات متفاوت در شمار درهم، گاو، گوسفند و حله، در مقدار پرداختی دیه شرح داده شده است. همچنین بر عدم موضوعیت عین اصول دیه و کفایت پرداخت بهای آنها، تأکید گردیده و در نهایت نظریه مشهور را در انتخاب بزه کار از موارد شش‌گانه، نقد نموده و به جای آن، نظریه‌ای نو افکنده و با ذکر شواهدی انتخاب قاضی را مطرح ساخته است.

کلید واژه‌ها: قانون مجازات اسلامی، قتل، اصول شش‌گانه دیه.

* تاریخ وصول: ۱۳۸۵/۳/۱۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۲۲/۹/۱۳۸۵.

۱ نویسنده مسؤل: محمدجواد عنایتی راد.

درآمد

دیه (به فارسی «خون‌بها» و به انگلیسی "Blood Money")

واژه‌شناسان، در معنای آن گویند مالی است که بدل از نفس پرداخت می‌گردد (ابن منظور، ۳۸۳/۱۵؛ طریحی، ۴۸۴/۴).

و مشهور فقیهان در تعریف آن نوشته‌اند: مالی است که به واسطه جنایت وارد بر نفس، اعضا و منافع و جراحت پرداخت می‌گردد (عاملی، ۲۶۶/۱۰؛ خوانساری، ۱۳۶/۶؛ نجفی، ۲/۴۳؛ خوبی، ۱۸۶/۲). و همین تعریف، منظور قانون‌گذار دیه در ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی است.

اقسام قتل و تعریف آن

قتل از جنبه قصد یا عدم قصد قاتل، طبق نظر مشهور بر سه قسم است: عمد، شبه عمد و خطا (علامه حلی، قواعد، ۶۶۶/۳؛ طوسی، النهایه، ۷۳؛ سلار، مراسم، ۲۳۶؛ علی بن محمد قمی، ۵۵۰؛ یحیی بن سعید حلی، الأشباه و النظائر، ۱۳؛ محقق حلی، شرایع الاسلام، ۱۰۱۶/۴؛ ابن قدامه، ۳۲۰/۹؛ جزیری، ۲۷۵/۵). ولی جمعی از فقیهان امامیه با دقتی بیشتر قتل را پنج قسم نموده‌اند که دو قسم دیگر، یکی قتل عمد به سبب کفر یا مهدور الدم بودن و دومی قتلی است که توسط نائم، صغیر، مجنون و مضطر انجام می‌گیرد اولی را ملحق به شبه عمد و دومی را ملحق به خطای محض نمودند (امام خمینی، ۵۵۳/۲). گویا علت الحاق این است که قید اعتقاد به «مصونیت دم» و «تکلیف قاتل» در تحقق بزه قتل عمد و شبه عمد لازم است (علامه، شرایع، کتاب قصاص؛ نجفی، ۱۱/۴۲؛ احمد بن ادریس، همان، ۱۲۸؛ فاضل، ۹). مالکیان قتل را بر دو قسم عمد و خطا تقسیم و شبه عمد را ملحق به عمد نموده‌اند (جزیری، ۲۷۵/۵) ابن قدامه، ۳۲۰/۹؛ ابن حزم، ۳۴۳/۱۰) و حنفیان آن را بر پنج قسم نموده‌اند: عمد، شبه عمد، خطا، جاری مجرای خطا و قتل به سبب و عده ای اندک آن را بر چهار قسم تقسیم

کرده‌اند عمد و شبه عمد و خطا و جاری مجرای خطا (جزیری، ۲۷۵/۵).

قتل عمد: آن است که مجرم عاقل بالغ با قصد ارتکاب قتل، قتل را در خارج عملی نماید (نجفی، همان، ۱۱/۴۲)؛ مثلاً شخصی به نیت کشتن کسی، وی را با اسلحه بکشد.

قتل شبه عمد: آن است که مجرم بدون قصد قتل، قصد انجام فعلی را نموده که غالباً کشنده نیست؛ مانند زدن با تازیانه و مانند آن به قصد تأدیب، و موجب مرگ شود و نیز معالجه اشتباهی پزشک که منجر به مرگ بیمار گردد (امام خمینی، ۵۵۴/۲).

تعریف قتل خطا: آن است که مرتکب قتل، در قصد و در فعل، هر دو خطا کند؛ مانند این که به سوی حیوانی تیری بیافکند و آن تیر به انسانی برخورد کند.

معیار تشخیص نوع قتل: در معیار تشخیص این سه از هم گفته اند: اگر قاتل قصد قتل و فعل داشت، عمد است و اگر، نه قصد قتل و نه تصد فعل داشت خطا است و اگر فقط قصد فعل داشت نه قصد قتل، شبه عمد است (نجفی، ۱۱/۴۲).

نقد و بررسی مستند ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی

مستند و دلیل ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، فتوای مشهور فقیهان امامیه است و این فتوا مشتمل بر سه محور ذیل است که هر کدام را جداگانه بررسی می‌نماییم.

۱- تعیین شش مورد (شتر، گاو و گوسفند ...) در دیه مسلمان

۲- اصالت موارد شش گانه

۳- تخییر بزه کار در انتخاب موارد شش گانه

مستند فتوای مشهور در تعیین موارد شش گانه دیه

مشهور دو دلیل ذکر نموده اند:

۱- اجماع

بر مجموع و بر تک تک موارد شش گانه ادعای عدم خلاف (نجفی، ۴/۴۳) و اجماع شده است (ابن زهره، ۴۱۲).

۲- روایات

اول: صحیحۀ عبدالرحمن بن حجاج

عبدالرحمن گوید: از ابن ابی لیلی شنیدم که می گفت: دیه در جاهلیت ۱۰۰ شتر بود که رسول الله (ص) آن را تأیید و تثبیت فرمود، سپس آن حضرت بر گاوداران، ۲۰۰ گاو و بر گوسفندداران، هزار گوسفند ثنیه (دو دندان ثنایای بالا و پائین آن درآمده باشد، دو ساله باشد) و بر دارندگان زر، هزار دینار و بر دارندگان درهم (= ورق: الدرهم المضروبه) هزار درهم و بر یمنی ها ۲۰۰ حله (لباسی که از دو قطعه بالاپوش (رداء) و پایین پوش (إزار) بوده است. و شلوار نقش ازار را ایفا می کند) عاملی، ۳۵۵/۱۰، خوئی، ۱۸۹/۲؛ گرجی، ۴۳؛ نجفی، ۹/۴۳، مقرر گردانید. عبدالرحمن گوید: از امام صادق (ع) در مورد روایت ابن ابی لیلی پرسیدم. حضرت فرمود: علی (ع) فرمود: دیه، هزار دینار و بهای هر دینار ۱۰ درهم است. [دیه] برای شهرتشینان ده هزار درهم و برای بیابان نشینان یکصد شتر و برای روستاییان [یا مردم عراق] ۲۰۰ گاو یا هزار گوسفند است (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹).

چند نکته درباره روایت

- ۱- روایت مشتمل بر دو بخش است: بخش نخست آن، نقل عبدالرحمن از ابن ابی لیلی و بخش دوم نقل عبدالرحمن از امام صادق (ع) است.
- مرحوم خوئی می فرماید: صدر روایت اعتباری ندارد، زیرا موقوفه^۱ و مرسله^۲ است (خوئی، ۱۸۹/۲) و به علاوه ابن ابی لیلی غیر موثق و عامی است (همان).

۱. موقوفه بر دو قسم است: ۱- مطلق: خبری است که از مصاحب معصوم و روایت شده باشد نه از خود معصوم، اعم از این که سند تا مصاحب معصوم متصل باشد یا منقطع. ۲- مقید: خبری است که از غیر مصاحب معصوم روایت شده است و خبر موقوف حجیت ندارد. (مامقانی، ۳۲۰/۱).

۲. مرسله بر دو قسم است: ۱- مرسل عام: حدیثی است که یک یا چند راوی در سلسله سند حذف شده است. در این صورت مرسل شامل حدیث مرفوع و موقوف و معلق و مقطوع و منقطع و معضل می شود. ۲- مرسل خاص: حدیثی است که تابعی بدون واسطه به پیامبر نسبت دهد؛ مثلاً سعید بن مسیب بگوید: قال رسول الله (ص)

۲- این روایت در کتابهای چهارگانه (کافی، من لا یحضر، تهذیب و استبصار) و مقنع مرحوم صدوق با عبارت «صد حله» آمده ولی در وسائل الشیعه که از این کتابها نقل کرده، «دویست حله» آمده است چنان که در همین کتاب عبارت «صد گاو» آمده ولی در آن کتابها عبارت «دویست گاو» یافت می‌شود و طبق قاعده نقل منابع اصلی معتبر است.

۳- در بخش نخست روایت از حله نام برده شده است ولی در بخش دوم آن، امام (ع) از حله نامی به میان نیاوردند.

دوم: صحیحۃ معاویة بن وهب

از امام صادق (ع) دربارهٔ دیه قتل عمد پرسش نمودم. در پاسخ فرمود: یکصد شتر نر شش ساله (به بالا) و اگر شتر نبود به جای هر نفر شتر، بیست گوسفند نرینه.

سوم: صحیحۃ^۱ یا حسنۃ^۲ جمیل بن دراج

از جمیل بن دراج دربارهٔ دیه چنین روایت شده است که: دیه، هزار دینار یا ده هزار درهم است و از دارندگان حله، حله و از شترداران، شتر و از گوسفندداران، گوسفند و از گاوداران، گاو گرفته می‌شود (حرعاملی، ۱۴۳/۱۹).

در این زمینه روایات دیگری نیز با محتوای مشابه وارد شده است که در ذیل بررسی محور دوم فتوای مشهور آوردیم (حرعاملی، ۱۴۸/۱۹-۱۴۱).

نقد مستند فتوای مشهور در تعیین موارد شش‌گانه دیه

اولاً: تنها بعضی مدعی اجماع شده‌اند و تحقق اجماع در مسئله معلوم نیست (خوئی، ۱۸۹/۲).

ثانیاً: بر فرض وجود اجماع، به دلیل مدرکی یا احتمال مدرکی بودن آن، استدلال به آن نادرست است.

فقها وقتی مرسل می‌گویند مرادشان مرسل عام است و خبر مرسله حجیت ندارد جز مراسیل جمعی از بزرگان صحابه (رک: مامقانی، ۳۴۱ - ۳۳۸).

۱. به تعبیر صاحب جواهر ۸/۴۳

۲. به تعبیر مرحوم مجلسی در *مرآة العقول*، ۲۸/۲۴.

ثالثاً مورد اتفاق روایات شیعه از موارد شش گانه فقط یکصد شتر (با اختلاف در نوع شتر پرداختی) و یکهزار دینار است و بیان روایات و فتاوا، در تعداد بقیه موارد اختلاف دارند.

اختلاف روایات در شمار درهم

در شمار درهم دو گونه روایات داریم:

الف: ده هزار درهم؛ مانند صحیحۀ ابن حجاج و صحیحۀ جمیل که پیش تر هر دو را ذکر کردیم.

ب: دوازده هزار درهم؛ چون صحیحۀ عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) دربارهٔ دیۀ قتل عمد درهم فرمود: «اثنا عشر الفا و ان كان في ارض فيها الدراهم فدراهم بحسب ذلك [ابن] اثنا عشر الفا» (حرعاملی، ۱۴۴/۱۹ ح ۹).

در صحیحۀ دیگر ابن سنان از امام صادق علیه السلام: «الديه مائة من الابل و قيمه كل بعير من الورق (= درهم سکه خورده) مائه و عشرون درهما» حاصل ضرب ۱۰۰ شتر در ۱۲۰ درهم ۱۲۰۰۰ درهم می شود.

راه حلها در جمع بین روایات

برای جمع میان این دو گروه روایات، راههای زیر بیان شده است:

راه حل اول: راهی که مرحوم شیخ در تهذیب از حسین بن سعید و احمد بن

محمد بن عیسی روایت کرده است مبنی بر اینکه این نوع درهم، وزن کمتری داشته و ۱۲۰۰۰ هزار آن معادل ده هزار درهم متعارف بوده است (طوسی، تهذیب، ۱۶۲/۱۰؛

الاستبصار، ۲۶۱/۴؛ الخلاف، ۱۲۱/۳).

توضیح بیشتر

یکی از واحدهای پولی رایج در دوره جاهلیت و اسلام، درهم بوده درهم‌ها با نامها و اوزان گوناگون (مثلاً درهم کسروی، بغلی به وزن ۸ دانگ، و طبری به وزن ۴ دانگ و) در میان مردم رواج داشته است. یکی از درهمهای رایج، ۱۵ قیراط (هر

قیراط به گفته مصباح المنیر نصف دانگ و هر دانگ مساوی یک دانه جو متوسط) بوده که هر ده درهم آن معادل ۷ مثقال زر و به گفته جمع زیادی از فقیهان و مورخان، همین درهم در زمان پیامبر و عصر صحابه و تابعین ملاک محاسبه زکات، دیات و جزیه بوده است (علامه حلی، تذکره، ۲۱۵/۱ و ۱۲۱/۵؛ لغت نامه دهخدا، ذیل واژه درهم نقل از النقود العربیه، ۱۰۷؛ ابراهیم سلیمان، ۲۶).

معاویه درهمهایی با وزن یک یا دو جو کمتر از ۱۵ قیراط ضرب نمود ولی عبدالملک بن مروان (متوفی ۸۶ هـ. ق، دوره خلافت: ۶۵ تا ۸۶ ق) با پیشنهاد امام زین العابدین وزن درهم را مطابق زمان پیامبر (ص) ۱۵ قیراط قرار داد (لغت نامه دهخدا، همان). سپس اولین خلیفه عباسی، عبدالله سفاح (دوره خلافت: ۱۳۲ تا ۱۳۹، متوفی ۱۳۹ ق) درهم عباسی ضرب نمود که در آغاز از وزن آن یک جو و سپس دو جو کاست. پس از وی منصور عباسی متوفی ۱۵۸ ق. سه جو از آن کسر نمود (دهخدا، همان). بنابر این، زمان امام صادق (ع) درهم عباسی که هر ۱۲ عدد آن برابر با ۱۰ عدد درهم متداول دیگر بوده، رواج داشته است و روایات ۱۲۰۰۰ هزار درهم بر این نوع دراهم حمل می‌گردد. بایسته یادآوری که به نقل برخی، وزن مثقال که همان دینار است. در جاهلیت و اسلام ثابت بوده است (علامه حلی، قواعد، ۲۳۹/۱).

نقد

اولاً روایات ده هزار و دوازده هزار درهم هر دو از امام صادق (ع) نقل شده است: ثانیاً حمل درهم بر وزن غیر درهم شرعی نیاز به قرینه دارد و در این جا قرینه نداریم. توضیح بیشتر آنکه با توجه به این که وزن درهم شرعی^۱ که در زمان پیامبر

۱. اجماع فقیهان گویند که درهم زمان پیامبر درهم شرعی است. در وزن درهم شرعی نوشته اند شش دانه است. مرحوم شیخ در نهاییه و مبسوط و خلاف طرفدار این وزن است. در جواهر ادعای عدم خلاف نموده و در مدارک آمده «نقله الخاصه و العامه و نص علیه جماعه من اهل اللغه»، از مفاتیح نقل شده «انه و فاقی عندالخاصه و العامه و نص اهل اللغه»، از ریاض نقل شده «اختلافی در این مطلب میان خاصه نمی یابم و گروهی از علما این را به شیعه و سنی نسبت داده اند و عالمان اهل سنت برآند که نزد خودشان اجماعی است و از ظاهر سخن خلاف فهمیده می شود که اجماع همه مسلمانان بر آن است. از ظاهر کتاب منتهی در بحث فطره، اجماع بر آن نقل شده است (حسینی، العقد المنیر، ۸۹، ابراهیم سلیمان، الاوزان و المقادیر، ۲۸).

(ص) متداول بوده، معلوم می‌باشد (هر ده درهم برابر ۷ مثقال زر) و پیامبر و صحابه بر طبق آن زکات و دیات و جزیه و دیگر دیون و مالیات‌های شرعی را می‌گرفتند و در زمان امام صادق (ع) این درهم در کنار درهم‌های دیگر، رواج داشته اگر مقصود امام (ع) از درهم، غیر درهم شرعی؛ مثلاً درهم عباسی می‌بود، به طور حتم، آن را با قید یا وصف می‌آوردند تا متدینان گرفتار مشکل نشوند. بنابر این، هر جا واژه «درهم» مطلق و بدون قید و وصف بیاید، بر درهم زمان پیامبر (ص) که در زمان امام صادق (ع) نیز رواج داشته، حمل می‌شود.

بنابراین، حمل روایات دوازده هزار درهم بر درهم با وزن کمتر، صحیح نیست. از این رو، مرحوم خوانساری این راه حل را بعید و غیر معروف می‌شمارد (خوانساری، ۱۶۷/۷). بلی اگر اثبات شود از میان موارد شش‌گانه دینار اصل است و بقیه بدل و ارزش برابری درهم در برابر دینار در زمان پیامبر (ص) بین ده تا دوازده درهم بوده (دائرة المعارف فارسی)؛ بلکه در روایت عمرو بن حزم که ابن حیان و حاکم آن را صحیح می‌دانند، از پیامبر (ص) نقل شده: «علی اهل الورق (درهم) اثنا عشر درهم»، بر درهم داران، دوازده هزار درهم است (جزیری، ۳۶۹/۵)، این نقد وارد نمی‌باشد و به نظر می‌رسد طبق روند کنونی بازار ارز، نرخ نوسان ارزش پول با نرخ طلا در همه زمانها معمول بوده است و زمان پیامبر نیز مشمول این موضوع می‌باشد؛ لذا، ارزش درهم بین ده تا دوازده دینار در نوسان بوده است.

راه حل دوم

روایات دوازده هزار درهم، حمل بر تقیه می‌شود، زیرا مطابق فتوای عامه است (شیخ طوسی، استبصار، ۲۶/۴؛ حرعاملی، ۱۴۴/۱۹، نجفی، ۱۱/۴۳؛ خوئی، ۱۸۹/۲).

نقد

این راه نیز نادرست است، زیرا

اولاً: تا امکان جمع عرفی بین دو دسته متفاوت از روایات وجود دارد، حمل یک

گروه بر تقیه صحیح نیست (خوانساری، ۱۶۷/۷).

ثانیاً: مطلق موافقت روایتی با عامه، مصحح حمل روایت بر تقیه نیست، بلکه در صورتی می‌توان روایتی را بر تقیه حمل کرد که موافق با مذهب حاکم عامه در زمان صدور روایت باشد و مذهب حاکم در زمان امام صادق (ع)، حنفی بوده است (نجفی مرعشی، تقریرات نگارنده از درس خارج قصاص) و حنفیها و نیز حنبلیان و اکثر اهل سنت مقدار ۱۰۰۰۰ دینار را به عنوان دیه تأیید کردند و ۱۲۰۰۰ درهم مطابق فتوای کمتر اهل سنت است (ابن قدامه، ۴۸۲/۹؛ جزیری، ۳۶۸/۵؛ طوسی، ۱۲۱/۳).

ثالثاً: تقیه‌ای بودن این روایات بسیار بعید به نظر می‌رسد، زیرا معین کردن بهای شتر به درهم و دینار یا گوسفند، موضوعی خارجی و نزد شنونده روشن یا قابل پرسش است. از این رو، پذیرفتنی نیست که امام معصوم (ع) چیزی بر خلاف واقعیت موجود در روزگار خویش بگوید (هاشمی شاهرودی، ۱۹۱).

راه حل سوم

حمل دو هزار درهم اضافی بر دوازده هزار درهم بر استحباب است (خوانساری).

نقد: این راه با ظاهر و سیاق روایت و نیز صدر و ذیل آن روایات نمی‌سازد، زیرا روایت در مقام تعیین قطعی مقدار لازم دیه‌انسان است. صحیح‌ه عبیدالله بن زراره گوید: دیه، هزار دینار یا دوازده هزار درهم است (حرعاملی، ۱۴۴/۱۹).

حال چگونه می‌شود که در مورد «هزار دینار» به تمام آن قائل شویم، ولی در «دوازده هزار درهم»، دو هزار درهم از آن را بر استحباب حمل کنیم، در صورتی که هر دو در یک سیاق هستند.

همچنین در صحیح‌ه ابن سنان قیمت ۱۲۰۰۰ درهم به ملاک ۱۰۰ شتر اخذ شده است و می‌فرماید: «دیه، یکصد شتر و بهای هر شتر یکصد و بیست درهم ضرب شده است (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹).

اگر دو هزار درهم بر استحباب حمل شود، لازمه اش این است که مقدار وجوبی دیه کمتر از ۸۴ و بیشتر از ۸۳ شتر باشد نه ۱۰۰ شتر، چرا که حاصل ضرب ۱۲۰ در ۸۳ ۹۹۶۰ می شود و این مطلب را هیچ کس نمی پذیرد مگر این که منظور این باشد که مستحب قیمت شتر در پرداخت دیه، یکصد و بیست درهم باشد نه یکصد درهم.

راه حل چهارم

چون روایات دوازده هزار درهم مورد عمل اصحاب واقع نشده، طرد می شوند (خوئی، ۱۸۹/۲).

نقد

این راه در صورتی کارساز است که عمل مشهور را جبران ضعف روایت و اعراض آنان را مضر به حجیت روایت بدانیم و گرنه اعراض مشهور، نفی کننده حجیت روایت نمی باشد.

راه حل پنجم

در بیشتر روایات، دوازده هزار درهم مربوط به قتل عمد است و دیه در قتل عمد و شبه عمد شدیدتر می گردد. از این رو، شتر پرداختی در قتل عمد و شبه عمد باید سالدار (مسان) باشد و قیمت این شتر از شتر یکساله و دوساله ای که در قتل خطائی پرداخت می گردد، بیشتر است (هاشمی). بر این اساس، روایاتی که واژه قتل در آنها مطلق آمده و به طور مطلق، دیه را دوازده هزار درهم دانسته؛ مانند یکی از صحاح ابن سنان (حراعملی، ۱۴۲/۱۹ حدیث ۳) حمل بر قتل عمد یا شبه عمد می گردد.

راه حل ششم

از میان موارد شش گانه دیه، «شتر» پایه و اصل و بقیه موارد، بدل از آن است و قیمت درهم نسبت به شتر در نوسان بوده است. گاهی قیمت شتر بالا می رفته و یکصد نفر آن برابر دوازده هزار درهم و گاهی قیمت آن پایین می آمده و قیمت آن برابر ده

هزار درهم بوده است (نجفی مرعشی، ۱۴۷).

راه حل هفتم

این است که از موارد شش گانه، دینار اصل است و درهم براساس آن تفاوت قیمت داشته است. گاه ده هزار درهم معادل هزار دینار و گاه دوازده هزار درهم برابر هزار دینار بوده است. مرحوم مجلسی طرفدار این راه است (مجلسی، ۲۵/۲۴). نگارنده از این دیدگاه در مباحث پیش رو دفاع خواهد کرد.

اختلاف روایات در شمار گوسفند

در مورد گوسفند نیز دو گروه روایت داریم: گروهی مقدار دینه انسان را هزار گوسفند ذکر می‌کند که بعضی روایات آن گذشت و گروهی دیگر، دو هزار گوسفند معین کرده‌اند؛ همچون صحیحۀ ابن سنان بهای هر شتر مسان (سال‌خورده) بیست گوسفند است (مجلسی، ۲۵/۲۴) و نیز در صحیحۀ معاویۀ بن وهب و معتبرۀ ابی بصیر و خبر زید الشحام، به جای هر شتر نرینه، بیست گوسفند نرینه [به عنوان دینه ذکر شده است].

اختلاف روایات در شمار گوسفند

در مورد گوسفند نیز دو گروه روایت داریم: گروهی مقدار دینه انسان را هزار گوسفند ذکر می‌کند که بعضی روایات آن گذشت و گروهی دیگر، دو هزار گوسفند معین کرده‌اند. در صحیحۀ ابن سنان که درصدد بیان شترهای دینه سخت (عمد و شبه عمد) است می‌فرماید: «بهای هر شتر مسان (سال‌خورده) بیست گوسفند است. (مجلسی، ۲۵/۲۴ و طوسی، ۱۶۲/۱۰) و نیز در صحیحۀ معاویۀ بن وهب و معتبرۀ ابی بصیر و خبر زید الشحام گوید: به جای هر شتر نرینه، بیست گوسفند [به عنوان دینه پرداخت گردد] (مجلسی، ۵/۱۴۷) که حاصل ضرب ۱۰۰ شتر در ۲۰ گوسفند، ۲۰۰۰ می‌شود.

راه حلها در جمع بین روایات گوسفند

- ۱- چون مضمون روایات این گروه مورد عمل اصحاب واقع نشده؛ بلکه ابن زهره در غنیه ادعای اجماع برخلاف آن نموده است از اعتبار ساقط است، زیرا اعراض مشهور، از روایتی، آن را از اعتبار و حجیت ساقط می‌کند. (خوئی، ۱۸۹/۲).
- ۲- مضمون این روایات، اعتباری ندارد چون مقطوع البطلان است، زیرا بهای هر شتر معادل بیست گوسفند نیست (همان).
- ۳- روایات گروه دوم با دسته اول، متعارض است و چون مضمون طایفه دوم موافق با عامه است، بر تقیه حمل می‌شود (نجفی، ۱۱/۴۳).
- ۴- پرداخت گوسفند، از سوی بزه‌کار، یا بالاستقلال است یا به عنوان بدل از شتر. چنانچه بزه کار گوسفند را فی نفسه و بالاستقلال انتخاب کند، مقدار واجب پرداختی هزار تا است و در صورتی که گوسفند را به عنوان بدل از شتر پردازد، مقدار پرداختی دیه، دو هزار گوسفند است، زیرا طبق صحیحه ابن سنان که در بالا آمد در آن روزگار بهای هر شتر با بیست گوسفند نر معادل بوده است (طوسی، تهذیب، ۱۰/۱۶۲؛ نجفی، ۱۱/۴۳؛ خوانساری، ۱۶۹/۷).
- ۵- دیه دو هزار گوسفند مربوط به موردی است که بنده، فرد آزادی را بکشد (طوسی، همان ۱۰/۱۶۲؛ نجفی، ۱۱/۴۳).
- ۶- قیمت گوسفند در مقایسه با قیمت شتر که از میان موارد شش‌گانه «اصل» است در نوسان بوده (نجفی مرعشی، ۱۴۸) و گاهی ده گوسفند برابر با یک شتر و گاهی تا ۲۰ گوسفند برابر با یک شتر بوده است.
- ۷- راه جمع دیگر این‌که ۲۰۰۰ گوسفند مربوط به قتل عمد است و ۱۰۰۰ گوسفند مربوط به قتل خطائی محض، زیرا در بیشتر روایاتی که دو هزار گوسفند آمده، موضوع آن قتل عمد است و در قتل عمد به صراحت روایات، سخت‌گیری در کار است و بعید نیست بهای شتر سال‌خورده معادل دو شتر یک‌ساله و دوساله باشد

(هاشمی، ۹۱ - ۹۰) و در نتیجه یکصد شتر سال خورده، معادل دو هزار گوسفند می‌گردد.

دیدگاه نگارنده در جمع روایات گوسفند خواهد آمد.

نقد راهها

نقد راه اول: همان است که در «درهم» گذشت و به قبول و عدم قبول مبنای یاد شده در اعراض مشهور، برگشت می‌کند.

نقد راه دوم: ادعای «مقطوع البطلان» بودن به اعتبار این که قطعاً ارزش هر شتر معادل بیست گوسفند نیست، نادرست است، زیرا اولاً همان‌طور که در این زمان شترها و گوسفندها از نظر نوع و وزن و بها مختلف هستند در آن زمان نیز چنین بوده است، و به علاوه صحیحاً این سنان تصریح دارد ۲۰ گوسفند بهای یک شتر سالخورده است و پذیرفته است که قیمت این شتر دو برابر شتری باشد که یک ساله یا دو ساله است؛ مانند ابن مخاض (هاشمی، همان).

نقد راه سوم: حمل بر تقیه در صورتی صحیح است که راه جمع وجود نداشته باشد و در این‌جا راه جمع ذکر شده است، مانند راه جمع مرحوم خوانساری در حمل زیاده بر هزار گوسفند بر استحباب (خوانساری، ۱۶۹/۷)، اشکال پیشین، در نقد راه حل دوم روایات درهم (حمل بر تقیه) این‌جا نیز جاری است.

نقد راه چهارم: این راه بر مبنای فتوای شیخان (شیخ طوسی و شیخ مفید) و قدما توجیه پذیر است، زیرا آنان از روایات باب، تنويع را فهمیده‌اند (طوسی، *النهائية*، ۷۳۶؛ طوسی، *المبسوط*، ۱۱۸/۷؛ طوسی، *الخلافا*، ۱۲۱/۳؛ مفید، ۳۶/۲۴). به این معنی که قاتل در انتخاب موارد شش گانه مخیر نیست؛ بلکه اگر اهل زر است هزار دینار و اگر اهل درهم است ده هزار درهم و ... را باید بدهد؛ مثلاً اهل زر اگر غیر از زر، گاو یا گوسفند یا حله را به عنوان دیه پردازد کفایت نمی‌کند و به دیگر سخن، «يجب كل صنف من الستة علی اهله» (خوانساری، ۱۶۹/۶). از این رو، می‌توان گفت: اگر اهل

شتر، بدل از شتر، گوسفند را انتخاب کرد باید دو هزار گوسفند بدهد، گرچه بر مبنای فتوای قدما (تنويع) نیز این راه مناقشه پذیر است، زیرا طبق نظریه تنويع هر یک از موارد برای اهلش اصالت دارد و اگر تبدیل به بدل شد باید طبق قیمت اصل مصالحه صورت پذیرد. پس این راه با مبنای مشهور که معتقد به تخییر جانی از میان موارد شش‌گانه و اصالت همه اینها در عرض هم است سازگار نمی‌باشد (طوسی، المبسوط، ۱۱۹/۷).

نقد راه پنجم: این راه نه دلیلی دارد و نه طرف‌داری.

نقد راه ششم: روایات هزار و دو هزار گوسفند در مورد دیه، هر دو از امام صادق (ع) و از نظر زمان، مقارن یکدیگر نقل شده و بسیار بعید است که شدت نوسان در دو زمان مقارن، به این اندازه باشد و اگر می‌بود حتماً امام (ع) یکی را مقید به زمان فراوانی یا کمبود می‌فرمود: مثلاً می‌فرمود در زمان فراوانی و ارزانی گوسفند مقدار دیه از آن، دو هزار گوسفند است. به ویژه که امام (ع) در مقام بیان قانون است و قانون‌گذار در این مقام، باید همه شرائط و لوازم جعل قانون را در نظر بگیرد.

اما حله: در مورد حله چند بحث است:

۱- ثبوت و عدم ثبوت اصل آن

۲- تعداد آن

۳- یمنی بودن آن

ثبوت و عدم ثبوت حله به عنوان دیه

در صدر روایت ابن حجاج آمده است: «ثم انه فرض... علی اهل الیمن، الحلل مائتی حلل» (حراعلمی، ۱۴۲/۱۹) و صحیحه جمیل گوید: «و یؤخذ من اصحاب الحلل الحلل» (حراعلمی، ۱۴۳/۱۹). پیش‌تر آوردیم صدر روایت ابن حجاج به گفته خوئی (ره) موقوفه و مرسله است و اعتباری ندارد، زیرا ابن ابی لیلی مرسلماً از پیامبر (ص) نقل کرده و ابن ابی لیلی غیرتقه و از عامه بوده است و مسانید وی اعتباری ندارد

تا چه رسد به مراسیل او (خوئی، ۱۸۹/۲) و در ذیل آن، که معتبره است امام از حله نام نبردند. در دومی هم که صحیحه است و جمیل حله را نقل کرده، روایت موقوفه است (خوئی، ۱۸۹/۲). به علاوه، از تعداد حله در این روایت سخنی به میان نیامده است. علاوه بر این، بعضی در صحیحه جمیل تصحیف^۱ «خیل» به «حلل» را محتمل دانسته‌اند (عاملی، ۳۵۴/۱۰؛ نجفی، ۳۵۴/۱۰). در این صورت روایت ربطی به حله ندارد.

با این حال، مشهور فقها پرداخت حله را در دیه کافی می‌دانند و به قول صاحب جواهر (۷/۴۳) اختلاف حائز اهمیتی میان فقها در اعتبار آن، مشاهده نمی‌شود و برخی بر نفی خلاف و برخی دیگر بر وجود اجماع تصریح کرده‌اند.

و دلیل گفته مشهور در کفایت حله، اجماع است و ضعف روایت ابن حجاج را با عمل مشهور جبران کرده‌اند (خوئی، ۱۸۹/۲).

و موقوفه و مرسله بودن صحیحه جمیل را هم مضر نمی‌دانستند، زیرا جمیل تنها از معصوم (ع) نقل روایت می‌کند. از این رو، فقیهان و رجالیان، مراسیل جمیل را همچون مسانید وی معتبر می‌شمردند. (عاملی، ۳۵۶/۱۰؛ رک: مامقانی، ۳۳۴/۱ - ۳۳۲). برخی نوشته‌اند روایت جمیل مضمرة است نه موقوفه، زیرا اگر سند این گونه بود که ابن ابی عمر گفته که جمیل چنین گفت و یا از جمیل نقل کرده که او گفت، می‌توانستیم روایت را موقوفه به شمار آوریم ولی سند این گونه است: «ابن عمیر از جمیل چنین نقل کرده که او درباره دیه گفته است دیه هزار درهم و ...» ظاهر جمله «درباره دیه گفت» این است که این گفته جمیل است. از این روی، روایت مضمرة است، زیرا در روایات مضمرة، تفاوتی میان این دو صورت نیست که ضمیر به گونه‌ای آشکار چون «از او شنیدم یا به او گفتم» و یا به صورت پنهان مانند «گفت» آمده باشد. بنابر این، روایت از امام (ع) است و نیاز به توجیه پیشین نیست (هاشمی، ۷۴) و

۱. تصحیف و مصحف لفظی، آن است که کلمه ای از متن یا سند به چیزی که شبیه یا نزدیک به اصل است تغییر داده شود؛ مانند تصحیف برید به یزید؛ خالد بن علقمه به مالک بن عرفطه؛ تصحیف ستا به شیتا و تصحیف الدنیا رأس کل خطیته، به الدینار اس کل خطیته (رک: مامقانی، ۲۳۸/۱ - ۲۳۷).

احتمال تصحیف را به اجرای اصل عدم تصحیف و اضبط بودن نسخه کافی که در آن «الحلل» آمده (نجفی، ۸/۴۳) دفع می‌کردند.

تعداد حلّه

در مورد تعداد حلّه نیز دو گونه روایت داریم:

گونه اول: روایاتی است که مقدار دیه را ۱۰۰ حلّه تعیین کرده و مؤلف «المقنع» براساس آن فتوا داده است. در صدر صحیحۀ عبدالرحمن بن حجاج در نقل برخی نسخ «تهذیب» و نقل «من لا یحضره الفقیه» و «الاستبصار» و «الکافی» می‌فرماید:

«علی اهل الیمن الحلل مائه حلّه» (طوسی تهذیب، ۱۶۰/۱۰؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۴۹۷/۳؛ طوسی، الاستبصار، ۲۵۸/۴؛ الکافی، ۲۸۷/۷؛ حرعاملی، ۱۴۲/۱۹)

گونه دوم: روایاتی است که مقدار دیه را ۲۰۰ حلّه تعیین کرده است. در نقل دیگر صدر صحیحۀ عبدالرحمن و نیز روایت عمرو بن شعیب و جابر چنین آمده است: «و علی اهل الیمن الحلل مائتی حلّه» (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹؛ طوسی، الخلاف، ۱۲۱/۳).

به رغم این که محدثان در هنگام تعارض نسخه‌ها، نسخه کافی را به دلیل اضبط بودن مقدم می‌دارند، و نیز اینکه صدر صحیحۀ ابن حجاج موقوفه است و ابن حجاج تنها از ابن ابی لیلی غیر ثقه نقل کرده است (خوئی، ۱۸۶/۲) و همچنین ۲۰۰ حلّه موافق با عامّه است، با وجود این، مشهور بدان عمل کرده و روایت «مائه حلّه» با این که موافق نقل بیشتر محدثان و ضبط کافی و مخالف با عامّه است، مورد اعراض ایشان قرار گرفته است.

برخی، مانند مرحوم آیت الله خوئی عمده دلیل ۲۰۰ حلّه را اجماع شمرده‌اند (عاملی، ۳۵۴/۱۰؛ خوئی، ۱۸۶/۲) و صحیحۀ ابن حجاج و ابن ابی عمیر را تنها مؤید دانسته‌اند. زیرا صدر روایت ابن حجاج به دلیل موقوفه و مرسله بودن، اعتباری ندارد و صحیحۀ ابن ابی عمیر نیز موقوفه و مرسله است (خوئی، ۱۸۹/۲).

پاسخ: اولاً مسئله اجماعی نیست، زیرا مؤلف المقنع بر طبق «مائه حلّه» فتوا داده است (عاملی، همان؛ نجفی، ۷/۴۳) و بر فرض وجود اجماع، چون محتمل المدرکی است، استدلال به آن ناتمام است. به علاوه، در مرسله جمیل تنها به اصل «حلّه» اشاره شده نه تعداد آن. گوید: «و علی اهل الحلل الحلل».

به علاوه، عدم ذکر حلّه در ذیل صحیحه ابن حجاج از سوی امام (ع) یا نشان تأیید و پذیرش آن است، زیرا امام (ع) از نفی آن، سکوت کردند و یا نشان این است که حلّه از اقسام دیه نیست، زیرا حضرت درصدد توضیح جزئیات دیه بودند و از حلّه یاد نکردند؛ لذا روایت از این جهت (عدم ذکر حلّه) یا ساکت است یا مجمل، چرا که شاید امام (ع) خواسته است ذهن ابن حجاج را از استناد کردن به روایت کسی مانند ابن ابی لیلی باز دارد. از این رو، خود به گونه مستقل حکم مسئله را از علی (ع) نقل کرده است. پس این روایت مثل این است که از آغاز خود معصوم (ع) چنین روایتی را فرموده باشد (هاشمی، ۷۶).

یمنی بودن حلّه

یمنی بودن حلّه نیز دلیل ندارد و لفظ حلّه بر پارچه‌های یمنی و غیریمنی به طور یکسان اطلاق می‌شود. (خوئی، ۱۰۹/۲) از این رو، به گفته مرحوم خوانساری تخصیص حلّه، به حلّه یمنی بعید است (خوانساری، ۱۶۷/۶).

توضیح: صرف نظر از اشکال سند روایت ابن حجاج و جمیل، در متن روایت ابن حجاج گوید: «و علی اهل الیمن مائتی (مائه حلّه)»، بر یمنی‌ها دویست (صد) حلّه است (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹).

و در روایت جمیل گوید: «یؤخذ من اصحاب الحلل الحلل»؛ از حلّه داران، حلّه گرفته می‌شود (همان، ۱۴۳/۱۹).

حال این پرسش مطرح است که چگونه از این دو متن، یمنی بودن حلّه استفاده می‌شود؟ این که حضرت فرموده بر اهل یمن حلّه است، به اعتبار شغل غالب آنان در آن

دوران (پارچه بافی و پارچه فروشی) بوده است نه تقیید حله به یمنی بودن، زیرا اگر چنین تقییدی پذیرفته شود، از آن سو نیز باید پذیرفت که تنها بر یمنی‌ها اعتبار حله، جا دارد نه بر غیر آنان، زیرا اصحاب حلال در آن زمان یمنی بودند و این لازم را کسی بیان ننموده است. مگر این‌که گفته شود حله جز بر برد یمانی صدق نمی‌کند، چنان‌که از ظاهر کلام النهایه، ابن اثیر و صحاح اللغه ذیل واژه حله، استفاده می‌شود؛ لذا مقتضای احتیاط در صورت پذیرش حله، پرداخت دویست حله یمنی است، چرا که در صورت پرداخت یکصد حله یا دویست حله غیر یمنی، شک داریم که فراغ ذمه حاصل شده یا خیر. اصل عدم فراغ است.

دیدگاه نگارنده در راه جمع بین روایات مختلف در زمینه «درهم»، «گوسفند»، «گاو» و «حله»

غیر از آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد راه جمع صحیح روایات اختلافی در مورد درهم، گوسفند، گاو و حله این است که در میان موارد شش گانه، «صد شتر» یا «هزار دینار» اصالت دارد و بر مبنای آن قیمت درهم، گوسفند، گاو و حله در نوسان بوده است، به عنوان مثال، گاه دوازده هزار درهم و گاه ده هزار درهم برابر هزار دینار یا یکصد شتر بوده و از این رو، هر دو به عنوان دیه معرفی شده است. توضیح بیشتر در این باره در بررسی محور دوم فتوای مشهور خواهد آمد؛ ان شاء الله.

مستند فتوا در محور دوم: اصالت یا عدم اصالت موارد شش گانه

نخست آرای گوناگون اهل سنت را در مورد اصالت و عدم اصالت موارد شش گانه می‌آوریم.

این قدامه می‌نویسد:

اهل علم اجماع نمودند بر این‌که اصل در دیه، شتر است و ظاهر کلام خرقی این است که اصل در دیه تنها شتر است و این یکی از دو روایت نقل شده از احمد(ره) است. این را ابوالخطاب ذکر کرده و این قول طاووس و شافعی و ابن منذر است.

قاضی گفته در مذهب اختلافی نیست که اصول دیه، شتر و درهم مسکوک (ضرب شده) و دینار و گاو و گوسفند است و این فتوای عمر و عطار و طاووس و فقهای هفت‌گانه مدینه و ثوری و ابن ابی لیلی و ابویوسف و محمد است (۴۸۲/۹).

عبدالرحمن جزیری می‌نویسد:

حنفیان و حنبلیان فقط دیه را در شتر و طلا و نقره می‌دانستند (۳۶۸/۵).

بنابر این، مشهور فقهای عامه، صد شتر را، اصل در دیه دانسته‌اند و یک دلیل آنان نامه پیامبر (ص) به عمرو بن حزم است. حضرت در ابلاغیه مأموریت وی به یمن، احکامی ذکر فرمودند از جمله، «ان فی النفس الدیه مائة من الابل» (ابن قدامه، ۴۸۲/۹) و نیز نقل شده که پیامبر در ضمن خطبه روز فتح مکه فرمود:

آگاه باشید خون‌بهای مقتول به تازیانه و عصا، صد شتر است (ابن ماجه، ۸۷۸/۲).

خلاصه آرای عامه را می‌توان چنین فهرست کرد:

مشهور فقهای شیعه، موارد شش گانه را اصل و تبدیل آن را به بدل، منوط به

ترازی طرفین می‌دانند (طوسی، مبسوط، ۱۱۹/۷).

دلایل مشهور بر اصالت موارد شش گانه

اصل یا اصول دیه از دیدگاه عامه	فتوای مذاهب و دانشمندان عامه
۱- ابل	شافعیه، مالکیه، حرقی، طاووسی، ابن منذر و یکی از دو روایت احمد
۲- ابل، ذهب و فضّه	حنفیه و حنبله (بنابر نقل جزیری)، عوده گوید حنفیه و مالکیه (التشريع الجنائي، ۱۷۶/۲؛ نقل از بجنوردی، ۱۷۱) و رأی سابق شافعیه
۳- ابل، ذهب، فضّه، بقر و غنم	عمر، طاووس، عطا، فقهای مدینه، ثوری، ابن ابی لیلی، ابویوسف، محمد و احمد
۴- شش مورد	جمهور فقهای اهل سنت، ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی (ابن قدامه، ۷۵۹/۷)

پیش از ذکر دلایل، شرح معنای اصل در مورد بحث، بایسته است.

معانی اصل

۱- گاه مقصود از اصل این است که هیچ‌یک از این موارد در طول دیگری نمی‌باشد و بزه کار می‌تواند بدون نیاز به توافق بزه دیده، هر یک از موارد شش‌گانه، را پردازد. این معنا از ظاهر عبارت محقق در شرایع برمی‌آید. وی می‌نویسد: «و هذه السنه اصول فی نفسها و لیس بعضها مشروطاً بعدم بعض و الجانی مخیر فی بذل ایها تشاء».

۲- احتمال دیگر در معنای اصل، این است که هر یک از موارد شش‌گانه، خود دیه و در ازای شخص مقتول است نه بدل از دیه. مقصود شیخ طوسی از اصل این معنا است نه معنای پیشین، زیرا ایشان قائل به تنويع و تعیین است نه تخییر. وی می‌نویسد: «قد قلنا ان عندنا السنه اصول، کل واحد اصل فی نفسه و لیس بعضها بدلا عن بعض بل کل واحد منها بدل عن النفس و هی مأه من الابل او الف دینار او عشره الاف درهم او مأتا بقره او الف شاه من الغنم او مأتا حله و کل من کان من اهل واحد من ذلك اخذ ذلك منه مع الوجود فاذا لم يوجد، اخذ احد الاجناس الاخر و سواء کانت بقیمه الابل او دونها او فوقها» (طوسی، المبسوط، ۱۱۹/۷). معنای اول اصل با دیدگاه مشهور متأخرین که معتقدند بزه‌کار از آغاز میان اقسام شش‌گانه آزاد است، سازگار است و معنای دوم با دیدگاه مشهور قدما که معتقد به تنويع اند سازگار است (هاشمی، ۸۲ - ۸۱).

مشهور در بیان اصل بودن موارد شش‌گانه در دیه

به دو دلیل استناد می‌کند:

۱- اجماع

۲- روایات

نمونه‌های مهم روایات را در بخش اول آوردیم؛ همانند: صحیحۀ عبدالرحمان بن حجاج، صحیحۀ یا حسنۀ جمیل بن دراج و صحیحۀ معاویه بن وهب.

مؤلف جواهر می‌نویسد:

«برای تو از نصوس و فتاوا و اجماعات صریح و ظاهر بر تخییر، ظاهر گشت

که این شش مورد، اصل‌اند و بعضی بدل از بعض دیگر نیست، لذا تساوی در بها، میان آنها معتبر نیست و نیز بعضی از آنها، مشروط به عدم بعضی دیگر نیست» (نجفی، ۱۵/۴۳).

پاسخ دلیل اول

با توجه به مخالفت برخی از فقها با اصالت موارد شش‌گانه همچون قاضی عبدالعزیز بن البراج که عبارت ایشان را به زودی یاد می‌کنیم، چگونه می‌توان ادعای اجماع کرد و براساس آن، فتوا داد؟ افزون بر این، بر فرض وجود اجماع، به دلیل مدرکی بودن آن، اعتباری ندارد.

پاسخ دلیل دوم

اگر در نص یا ظاهر صحیح یا صحاحی آمده بود: «دیه الانسان الف دینار او مائة من الإبل او مائتا بقره او الف شاه او عشرة آلاف درهم»، اصالت موارد شش‌گانه، صحیح و اجتهاد در برابر آن، اجتهاد در برابر نص و مردود بود. اما ما چنین نص یا ظاهر روشنی نداریم، بلکه مشهور، از اطلاق مجموع تعدادی روایت از جمله، دو صحیحه عبدالرحمن بن حجاج و جمیل بن دراج، که در پیش آوردیم، با کمک توجیهاتی همچون: حمل روایات مخالف بر تقیه، جابر بودن عمل مشهور و ... اصالت موارد شش‌گانه را استنباط کرده‌اند.

و برخلاف متقدمان که از جملات «فرض علی اهل البقر مأتی بقره و فرض علی اهل الشاه الف شاه ثنیه و علی اهل الذهب الف دینار و علی اهل الورق عشرة آلاف درهم» و «یؤخذ من اصحاب الحلل الحلل، و من اصحاب الابل الابل» تنويع را فهمیده‌اند، این جملات را حمل بر تسهیل کرده و نهایتاً تخییر جانی را در انتخاب موارد، نتیجه‌گیری نمودند (خوئی، ۱۸۷/۲).

اکنون نظری اجمالی بر روایات می‌افکنیم تا ببینیم بر اصالت موارد شش‌گانه دلالت دارند یا نه؟ پیشتر، صحیحه ابن حجاج را که مشهور به آن استناد کردند، آوردیم.

در ذیل صحیحہ می گوید:

علی (ع) فرمود: «دیه، هزار دینار و بهای هر دینار، بیست درهم و ده هزار درهم برای اهالی شهرها است».

در صحیحہ ابن سنان آمده است:

دیه، یکصد شتر است و بهای هر شتر به درهم، یکصد و بیست درهم یا ده دینار و به گوسفند، بهای هر شتر سالخورده، بیست گوسفند است (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹).

در صحیحہ معاویة بن وهب آمده است:

از امام صادق (ع) درباره دیة (قتل) عمد سؤال نمودم در پاسخ فرمود: «یکصد شتر نرینه شش ساله است، اگر شتر نبود به جای هر شتر بیست گوسفند نرینه پرداخت گردد (حرعاملی، ۱۴۷/۱۹ - ۱۳۶).

در معتبره ابی بصیر، امام (ع) در مقدار دیة عمد می فرماید:

«یکصد شتر نرینه سالخورده است و اگر شتر نبود به جای هر شتر بیست گوسفند نرینه پرداخت گردد (حرعاملی، ۱۴۷/۱۹).

در صحیحہ عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) آمده است:

دیه، دوازده هزار درهم یا هزار دینار یا یکصد شتر است و اگر در منطقه ای است که در آن دینار متداول است، هزار دینار و اگر در سرزمینی است که در آن شتر زیاد است، یکصد شتر و اگر در جایی است که درهم در آن رواج دارد دوازده هزار درهم پرداخت گردد (حرعاملی، ۱۴۴/۱۹).

در صحیحہ حکم بن عتیبه می فرماید:

از قاتل در دیة خطا یکصد شتر و بهای هر شتر یکصد درهم و مجموعاً ده هزار درهم گرفته می شود (حرعاملی، ۱۴۸/۱۹).

در مرسله عبدالله بن سنان می فرماید:

دیه، یکصد شتر و بهای هر شتر یکصد و بیست درهم یا ده دینار است و به

گوسفند، بهای هر شتر سالخورده، بیست گوسفند است (حرعاملی، ۱۴۶/۱۹).

در روایت ابی بصیر آمده است:

دیه مرد یکصد شتر است و اگر نبود به اندازه قیمت آن، گاو و اگر نبود هزار

قوچ پرداخت گردد (حرعاملی، ۱۴۵/۱۹ - ۱۴۴).

در خبر زید الشحام از امام صادق (ع) آمده است:

دیه، یکصد شتر سالخورده است و اگر شتر نبود، به جای هر شتر بیست

گوسفند نرینه پرداخت گردد (حرعاملی، ۱۴۷/۱۹).

استدلال مشهور در اثبات اصالت موارد شش‌گانه

مشهور گویند: در این روایات از موارد شش‌گانه، یاد شده و اطلاق ذکر موارد

شش‌گانه در این روایات، بر اصالت همه موارد دلالت دارد، چه تفاوت قیمت میان آنها

باشد و چه نباشد.

نقد: قدر متیقن از تحقق اطلاق در جایی است که میان موارد از نظر قیمت،

تعادل و توازن باشد و شواهد زیر این نکته را تأیید می‌کند:

۱) شواهد تاریخی و شیوه بیان برخی روایات، متعادل بودن قیمت موارد

شش‌گانه را در زمان پیامبر (ص) یعنی زمان اضافه شدن موارد پنج‌گانه در دیه (دینار،

درهم، گاو، گوسفند و حله) بر یکصد شتر را نشان می‌دهد. در صدر صحیحۀ ابن

حجاج که در پیش آوردیم می‌گوید: «دیه، در روزگار جاهلیت صد شتر بود که پیامبر

(ص) نیز آن را تأیید فرمود. سپس آن حضرت بر آنان که گاو دارند دویست گاو

مقرر فرموده». مرحوم خوئی می‌فرماید: این اضافه شدن موارد به یکصد شتر از باب

ارفاق و تسهیل بوده است (خوئی، ۱۸۷/۲).

و نیز در روایاتی که گذشت معصوم (ع) بهای هر شتر را به درهم، دینار و

گوسفند، تعیین فرمود و این نشان از توازن قیمت میان آنها در زمان معصوم (ع)

می‌باشد.

۲) ارتکاز عرفی و اعتبار عقلا در باب جبران خسارت در ضمان

بدون تردید با کشته شدن فردی، خسارتی به مقتول و ورثه وی وارد می‌گردد و شارع برای جبران خسارت، دیه را وضع نموده است. اگر مواردی که به عنوان دیه تعیین فرموده با یکدیگر تفاوت قیمت فراوان داشته باشد خلاف ارتکاز عرف و اعتبار عقلا در باب خسارات و ضمانات است؛ از این رو، عرف و ارتکاز عقلا، دائره تحقیق اطلاق را در جایی می‌داند که میان موارد شش‌گانه توازن قیمت باشد. دست کم در شمول اطلاق نسبت به مواردی که توازن قیمت با دیگر موارد ندارد، تردید داریم و در صورت تردید، اصل عدم کفایت، حاکم است. به علاوه، اگر شمول لفظی اطلاق را هم بپذیریم، ارتکاز عرف و اعتبار عقلا در باب خسارات، قرینه لبی است بر تقيید آن اطلاق به صورتی که توازن قیمت میان موارد شش‌گانه باشد. اضافه بر این، روایاتی که قیمت شتر را به درهم و دینار و... معین نمود می‌تواند اطلاق روایات را مقید کند به جایی که میان موارد، توازن قیمت باشد. جالب توجه این‌که مشهور برای اثبات اصالت موارد شش‌گانه، چه میان آنها توازن قیمت باشد و چه نباشد بیش از ده روایت که بعضاً صحیح‌ه هستند و دلالت بر اصالت شتر و یا بر اصالت دینار دارند تأویل و توجیه و طرد نمودند.

برای نمونه، ۱- در صحیحۀ محمد بن مسلم و زرارۀ درباره دیه می‌فرماید: «هی مأه من الابل و لیس فیها دنانیر و لادراهم و لا غیر ذلک». مرحوم خوئی می‌فرماید: «ظاهر این روایت مخالف روایات مستفیضه مشهوره است و کسی به مفاد آن عمل ننموده؛ لذا یا باید طرح یا تاویل گردد» (خوئی، ۱۸۹/۲).

۲- در سه صحیحۀ، ابن سنان و معاویه بن وهب و ابی بصیر، قیمت هر شتر برابر بیست گوسفند تقویم شده است. مرحوم خوئی می‌فرماید: «این روایات طرد یا حمل بر تقيه می‌شود، چون اولاً کسی به مفاد آن عمل نکرده، ثانیاً مقطوع البطلان است، زیرا قیمت هر شتر ۲۰ گوسفند نیست، ثالثاً معارض روایاتی است که دیه را هزار

گوسفند دانسته است .

نقد: مرحوم خوئی که إعراض مشهور را مضرّ به حجیت روایت نمی داند، نباید به خاطر عدم عمل اصحاب از این صحاح، دست بردارد. ثانیاً در این جا شرایط تعارض وجود دارد و باید به مرجحات رجوع گردد. ثالثاً همان طور که در پیش آورديم، گاه قیمت شتر، مخصوصاً سالخورده (مسان) برابر ۲۰ گوسفند بوده است.

۳- مشهور متأخران از دلالت دو صحیحۀ عبدالله بن ستان و عبدالله بن زراره که در آن ديه، دوازده هزار درهم معرفی شده، دست برداشته و آن را طرح یا حمل بر تقيه نموده‌اند.

۴- ظاهر صحیحۀ ابن حجاج و صحیحۀ جمیل دلالت بر تنويع و تعیین هر یک از موارد شش‌گانه بر اهلش دارد و قدما و برخی از متأخران بر این دلالت تأکید دارند (خوانساری، ۱۶۱/۶؛ طوسی، مبسوط، ۱۱۹/۷). متأخران از ظهور و دلالت این دو صحیحه دست برداشته‌اند و حمل بر تخیر نموده‌اند. جالب توجه اینکه مرحوم خوئی ظهور قوی این دو صحیحه در تنويع را به راحتی کنار گذارده و به دلالت به مراتب ضعیف تر این دو صحیحه استدلال نموده‌اند و گفته‌اند این دو در مقام بیان ارفاق و تسهیل هستند (یعنی اضافه شدن مواردی به شتر در این دو صحیحه، از باب آسان شدن پرداخت ديه است) (خوئی، ۱۸۷).

مایهٔ تعجب این‌که در خون‌بهای مسلمان مسئله‌ای به این مهمی که مربوط به خون و مال مردم و جبران خسارات ناشی از قتل مسلمان است و باید کمال احتیاط را، طبق روایات بسیار، در آن داشت و اندک مخالفت با اعتبارات و ملاحظات عقلا را در آن مدنظر گرفت و قوت و برتری قانون اسلام را در برابر قوانین لائیک نشان داد، با این شیوهٔ استدلال، از تفاوت چند میلیونی میان موارد شش‌گانه صرف نظر می‌شود و همهٔ آنها در عرض هم اصل، شمرده شده است و از توجه به تساوی بهای این موارد با هم در عصر پیامبر و لزوم موافقت با اعتبار عقلا در باب ضمانات، غفلت شده است.

مرحوم خوانساری در فتوای خود، اشکالات متعددی را بر روند استدلال مشهور برمی‌شمارد:

- ۱- منافات روایاتی که شتر را به سالخورده (مسان) مقید کرده با خبر حکم بن عتیبه (حرعاملی، همان) که مفاد آن این است که سن شتر در دیه، یک سال و کمتر از آن است (خوانساری، ۱۶۷/۶ - ۱۶۶).
 - ۲- و نیز منافات روایات شتر سالخورده (مسان) (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹) با اطلاق مرسله یونس (حرعاملی، ۱۴۰/۱۹) که در آن درباره میزان پرداختی دیه از شتر گوید: «ماه من الابل» و تقیید این اطلاق مشکل است، چون امام با توجه به تفاوت خصوصیات شتر، به صورت مطلق گفته و مقید ننموده است؛ لذا باید سالداری (مسان) بودن شتر حمل بر فضیلت گردد (خوانساری، همان).
 - ۳- ظاهر مرسله جمیل تنويع است نه تخيير؛ از این رو، جمعی از قداما برخلاف مشهور متأخرین به تنويع فتوا داده‌اند (همان).
 - ۴- روایت ابی بصیر مخالف فتوای مشهور است، زیرا گوید: «اگر گاو» نبود هزار گوسفند پرداخت شود» (حرعاملی، ۱۴۵/۱۹ - ۱۴۴)، این تفصیل (اگر گاو نبود، گوسفند دهد) قاطع شرکت است. یعنی نمی‌شود «گاو» و «گوسفند» در عرض هم، اصل باشند و بزه کار هر یک را که خواست انتخاب کند (خوانساری، ۱۶۱/۶).
 - ۵- فتوای مشهور مبنی بر تعیین ده هزار درهم در دیه مسلمان، با صحیحه ابن سنان (حرعاملی، ۱۴۴/۱۹) که دیه را از درهم، دوازده هزار درهم گفته، مخالف است و اضافه بر این، شتر پرداختی به عنوان دیه را مقید به سالداری (مسان) ننموده با این که در مقام ذکر خصوصیات است (خوانساری، ۱۶۷/۶).
- سپس مرحوم خوانساری می‌فرماید: «اگر اجماع در تأیید فتوای مشهور، محقق باشد فتوای مشهور صحیح است و گرنه استفاده فتوای مشهور از این روایات مشکل است». سپس در پاسخ این اشکال که روایات مخالف فتوای مشهور، حمل بر تقیه

می‌گردند، می‌فرمایند: «حمل بر تقیه جایی است که امکان جمع میان روایات نباشد و ما می‌توانیم زیاده را (مثلاً زیاده از ده هزار درهم در صحیحۀ ابن سنان) حمل بر استحباب کنیم» (همان).

به نظر می‌رسد بر مبنای اصالت یکی از موارد شش‌گانه که توضیح خواهیم داد، هیچ‌یک از مشکلات بالا، لازم نمی‌آید و می‌توان میان اخبار جمع عرفی نمود. با توجه به روایات باب که تعدادی از آنها را آوردیم، نکات زیر شایان توجه است:

۱- شتر در زندگی سرزمین خشک و بی آب و علف عربستان نقش کلیدی داشته است به طوری که به آن سوگند یاد می‌کردند (مرعشی، ۱۴۴ نقل از ایمان العرب فی الجاهلیه، ۱۴) و اموال و دارایی خود را با آن می‌سنجیدند و به هنگام بیان دارایی خود از تعداد شتران نام می‌بردند. به نقل ابن هشام، زید بن بکر بن هوازن نخستین کسی بود که شتر را به عنوان دیه تعیین کرد (مرعشی، همان، نقل از سیرة نبویه، ۱/۱۶۳) و لکن میزان آن را تعیین نکرد و عرب جاهلی دیه را بین ۵ تا هزار شتر نسبت به شخص مقتول تعیین می‌کرد. به نقل برخی مورخان، نخستین کسی که دیه را یکصد شتر قرار داد (مرعشی، همان، نقل از شوشتری، الاوائل، ۱۱) عبدالمطلب بود. البته ابن اثیر از فرد دیگری به نام نفیل بن عبدالعزی یاد کرده است و علی جواد نخستین فرد را ابوطالب می‌داند (مرعشی، همان، ۱۴۰ نقل از المفصل، ۶۰۱/۵) و برخی از نضیر بن کنانه و بعضی از فرد دیگری به نام ابوسیاره یاد نموده‌اند (احمدبن ادریس، ۱۷۸). برخی از مورخان نذر عبدالمطلب مبنی بر قربانی یکی از فرزندانش را علت تغییر دیه از پنج یا ده شتر، به صد شتر دانسته‌اند (مرعشی، همان و احمدبن ادریس، همان). در صحیحۀ ابن حجاج نیز تعیین صد شتر به عبدالمطلب نسبت داده است. در روایتی از ابن عباس منقول است که: «دیه، ده شتر بود و عبدالمطلب نخستین کسی است که دیه نفس را صد شتر مقرر کرد و قریش و عرب آن را در میان خود جاری کردند و رسول

خدا (ص) آن را همان گونه که بود تقریر و امضاء فرمود» (احمد بن ادریس، ۲۶۰، نقل از کنز العمال، ۳۱۲/۷).

طبق صحیحۃ ابن حجاج، سپس پیامبر (ص) بعد از تنفیذ و امضای کار عبدالمطلب، برای سرعت در تأدیة خونبهای مقتول و سهولت پرداخت از سوی قاتل، آن را به شش مورد افزایش دادند.

۲- ارزش و قیمت درهم، شتر، گاو و گوسفند در برابر دینار متفاوت بوده است. همان گونه که در پیش آوردیم بنابر نقل مورخان، دینار رایج عصر رسالت، دینار رومی، برابر یک مثقال شرعی طلای مسکوک و معادل ده درهم و طبق روایتی، دوازده درهم یک دینار بوده است و در زمان امام صادق (ع) درهمهایی با مقدار نقره کمتری (پنج نخود) سکه می خورد. در زمان پیامبر (ص)، نیز همچون زمانهای دیگر تا امروز، هر فرد از شتر، گاو و گوسفند بر حسب چاقی و لاغری و نژاد اصیل و غیر اصیل و ... تفاوت قیمت داشته است. از چگونگی تقسیم غنائم جنگ حنین توسط پیامبر (ص) استفاده می شود که قیمت هر شتر غنیمت گرفته شده برابر ده گوسفند بوده است. قیمت شتر عایشه را در جنگ جمل، ۷۰۰ دینار نقل کرده اند (طبری، ترجمه پاینده، ۲۴۷۴/۶). مرحوم شیخ انصاری در بیع فضولی، صحیحه عروه بارقی را که بر تفاوت قیمت گوسفندان دلالت دارد، آورده است (انصاری، ۱۲۵).

خلاصه این که بر مبنای دینار، قیمت هر کدام از گوسفند، گاو، شتر و درهم در عصر پیامبر و خلفا و امامان (ع) متفاوت بوده است.

از این رو، در روایات، اوصاف اجناسی که به عنوان دیه پرداخت می شود، یاد شده است؛ مثلاً در شتر، «فحوله الابل المسان» و در گوسفند، «فحوله الغنم» یا کبش (قوچ) و همچنین قیمت آن نیز بیان شده است:

«یحسب لكل بعیر مائه درهم»؛ «قیمه کل بعیر مائه و عشرون درهماً او عشره

دنانیر».

۳- میانگین قیمت این اصول با اوصافی که در روایات ذکر شده از نظر مالیت متقارب بودند. آیت الله مکارم می‌گوید:

در عصر صدور این احکام و روایات قیمت این شش اصل متقارب بوده است (تقریرات دروس خارج فقه، بحث دیات جزوه ۱۷/۹ - ۱۶).

اصولاً لحن روایات نیز حاکی از این است که قیمت اصول دیه متوازن است (همان / ۲۱).

۴- داد و ستدهای مردم در آن زمان، نقدی و پایاپای بوده و در آنها، عوضین غالباً گاو و گوسفند و شتر و حله بوده است، زیرا اموال آن منطقه چیزی غیر از اینها نبوده است. پیامبر (ص) نیز برای تسهیل بیشتر، موارد دیه را از شتر به اینها تعمیم داد، ولی در عصر امام علی (ع) که معاملات مهم براساس دینار و درهم در شهرها رواج یافته بود، حضرتش طبق ذیل صحیححه ابن حجاج (حرعاملی، ۱۴۱/۱۹) ملاک پرداخت دیه را « هزار دینار» و بر مبنای آن «ده هزار درهم» معین فرمود.

۵- امضائی نه تعبدی بودن موارد شش گانه؛ به این معنی که در واجبات تعبدی، ما بدون تصریح شارع و تنها از طریق عقل نمی‌توانیم به ملاک حکم دست یابیم، ولی در واجبات غیر تعبدی، چه بسا بتوان از مسیر عقل، ملاک حکم را دریافت و از راه استناد به ملاک، به گسترش یا محدود ساختن موارد، اقدام کرد. آیه الله مکارم در این زمینه می‌گوید: «تعبد در چیزی که امضایی و رایج میان عقلا است تعبد خشک و خیلی بعید است» (همان).

۶- دیه، خسارت مالی و خونبهای مقتول است؛ از این رو، در روایات و سخنان فقها همواره «دم» و «اولیاء دم» مطرح است و شاهد آن دیه اعضا و جوارح است که به ملاک ارزش آنها، مقدار دیه معین شده است. و به تعبیر آقای مکارم در باب خسارات، تخیر بین دو چیز که ارزش یکی چند برابر دیگری باشد، از حکیم بعید است (همان، ۱۱-۱۲).

مدعای نگارنده

با توجه به روایات و نکات یاد شده، مدعای نردبانی نگارنده چنین است:

- ۱- مستفاد از روایات، تنها اصالت «مائه ابل» و «الف دینار» است.
- ۲- روایات، اصالت «الف دینار» را در جایی که نقد رایج است، مطرح ساختند.
- ۳- نفس «دینار» و «ابل» موضوعیت ندارد؛ بلکه قیمت آنها در زمان امامان معصوم (ع) مورد نظر است.

توضیح مرحله اول ادعا

در توضیح این مرحله، به دو نکته اشاره می‌شود:

- ۱- از موارد شش گانه دیات، مقدار و تعداد «هزار دینار» و «یکصد شتر» مورد اتفاق روایات است، اما در تعداد بقیه موارد در روایات اختلاف است، چنان که توضیح آن گذشت و روشن شد که در بعضی روایات، مقدار درهم «ده هزار» و در بعضی دیگر «دوازده هزار» معین شده بود. همچنین در بعضی روایات، تعداد گاو و حله «۲۰۰» عدد و در بعضی دیگر «۱۰۰» عدد مشخص شده بود. نیز در بعضی روایات، تعداد گوسفند «۱۰۰۰» و در بعضی دیگر «۲۰۰۰» تعیین شده بود.
- ۲- در روایاتی همچون صحیحہ عبدالرحمان و صحیحہ جمیل، که در آغاز بحث یاد کردیم، دیه انسان ۱۰۰ شتر، یا ۱۰۰۰ دینار، یا ۲۰۰ گاو، یا ۲۰۰ حله و یا ۱۰۰۰ گوسفند است، ولی در روایات دیگر که نقل کردیم بر مبنای «دینار» و «شتر»، قیمت موارد دیگر مشخص شده است؛ مثلاً در صحیحہ ابن سنان گوید:

«ان الدیه مائه من الابل و قیمه کل بعیر من الورق مائه و عشرون درهما او عشره دنایر و من الغنم قیمه کل ناب من الابل عشرون شاه»؛ دیه، یکصد شتر است و بهای هر شتر به درهم، یکصد و بیست درهم یا ده دینار و به گوسفند بهای هر شتر سالخورده بیست گوسفند است (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹).

در این روایت، مبنای دیه را ۱۰۰ شتر قرار داده، سپس گوید: «قیمت هر شتر

برابر ۱۲۰ درهم یا ۱۰ دینار و یا ۲۰ گوسفند باشد». نیز در ذیل صحیحۀ عبدالرحمان گوید:

«الدية الف دینار و قيمة الدینار عشرة دراهم»، ديه، هزار دینار و بهای هر دینار ده درهم است (همان).

در این روایت، مبنای ديه را «هزار دینار» قرار داده و سپس قیمت هر دینار را معادل ۱۰ درهم معین کرده است.

دو نکتهٔ بالا، اصالت «یکصد شتر» و «هزار دینار» را در ديهٔ انسان اثبات می‌کند. از این رو، بر مبنا و ارزش این دو، مقدار و تعداد موارد دیگر ديه معین شده است و گر نه معنی ندارد که بر مبنای دینار، قیمت درهم یا گوسفند و یا ... را ذکر کند. به دیگر سخن، در روایاتی، موارد شش‌گانه، مطلقاً به عنوان ديه مطرح شده و در روایات دیگر، قیمت غیر دینار و ابل را بر مبنای این دو مشخص کرده است. جمع بین آن دو، حمل مطلق بر مقید است؛ یعنی مثلاً درهمی که ۱۰ یا ۱۲ تاي آن برابر یک دینار است، به عنوان ديه پرداخت گردد. بنابر این، چنان که مقدس اردبیلی فرموده، مستفاد از روایات، اصالت تمام موارد شش‌گانه نیست (محقق اردبیلی، ۳۱۲/۱۴).

توضیح مرحلهٔ دوم ادعا

تأمل در روایات، با در نظر گرفتن اعتبار عقلایی جدای از توجیهاتی همانند حمل بر تقيه و ...، اصالت شتر در میان شترداران و چارپاداران و اصالت دینار را در جایی که نقد رایج است نتیجه می‌دهد؛ مثلاً در ذیل صحیحۀ ابن حجاج، امام صادق (ع) می‌فرماید:

«الدية الف دینار و قيمة الدینار عشرة دراهم و عشرة آلاف لاهل الامصار»

(حرعاملی، همان).

از نظر علمای ادب عرب، اگر مبتدا دارای الف و لام باشد افادهٔ حصر مبتدا در خبر می‌کند؛ یعنی «تنحصر الديه في الف دینار» از این رو، عاملی، مؤلف مفتاح الكرامة

می‌نویسد:

«ظاهر ابن خبیر، اصالت دینار، از میان موارد دیات است» (عاملی، ۱۰/۳۵۴).
همین برداشت مورد تأیید علامه مجلسی در *مرآة العقول* است
(مجلسی، ۲۴/۲۵).

براین اساس، ابن براج فتوا داده و به ملاک «هزار دینار»، قیمت هر یک از شتر، حله و گوسفند را تعیین کرده است (مرواید، ۲۴/۱۶۷). در بیشتر روایات، دیات اعضا و جوارح و جراحات و دیه جنین، به دینار تعیین شده و این خود مؤید اصالت دینار است و در صورتی که دینار اصل باشد، آیا تعداد شتر و حله و گاو و گوسفند موضوعیت دارد یا خیر؟ دو قول است: (علامه، *مختلف*، ۲۰/۲۶۴) برخی معتقدند که تعداد موضوعیت ندارد، ابن براج طرفدار این قول است (علامه، همان) و برخی دیگر معتقدند تعداد موضوعیت دارد (هاشمی، ۹۲).

نکته قابل تأمل این‌که در ذیل صحیحه ابن حجاج، دینار برای شهرنشین‌ها مشخص شده است «الدیه الف دینار... لاهل الامصار» (حرعاملی، همان). این ذیل با توجه به اصل احترازی بودن «قید» و «وصف» گویا اطلاقات «الدیه مائه ابل» را تقیید می‌زند و آن را در جایی که دینار رواج ندارد، معین می‌فرماید و چون در زمان امام علی (ع) در شهرها، دینار رواج داشته، همان را مورد دیه تعیین فرموده است. علاوه بر این، نظریه اصالت دینار با اعتبار عقلایی و این‌که اسلام دین جهانی و جاوید است و نظام دیات آن باید به گونه‌ای باشد که در همه جای دنیا به ویژه کشورها و مناطقی که شتر ندارد و در همه اعصار قابل اجرا باشد، سازگارتر است (بجنوردی، ۱۷۰). نتیجه این‌که در زمان ما که تمامی داد و ستدهای داخلی و بین‌المللی و حتی معاملات پایاپای بر اساس قیمت «نقد» انجام می‌پذیرد، تنها «نقد» مورد دیه است.

توضیح مرحله سوم ادعا

شکی نیست که در زمانها و مکانهایی که دینار رواج دارد، اصالت از آن دینار

است، اما در زمان و مکانی که دینار رواج ندارد؛ بلکه نقد یا کالای دیگری رایج است، همان پرداخت می‌گردد؛ از این رو، صاحب **جواهر** می‌فرماید: به مقتضای صحیح حکم بن عتیبه از امام باقر(ع) مدار دیه در هر منطقه چیزی است که در آنجا زیاد است. (حرعاملی، ۱۴۸/۱۹)؛ لذا «وقتی در زمان خلیفه دوم قیمت شتر بالا رفته بود، درهم و دینار جایگزین آن شد» (مرعشی، ۲۰۲ - ۲۰۰).

مرحوم امام خمینی و مرحوم آیت الله خوئی نیز بر عدم موضوعیت عین درهم و دینار تصریح کرده‌اند.

حضرت امام (ره) در این زمینه می‌نویسند:

«دینار همان مسکوک شرعی است که در عصر صدور روایات رایج بوده است، اما از آنجا که در آن زمان، نقد رایج همین درهم و دینار بوده و معامله با آنها در بین مردم متداول بوده است، نمی‌توان از ادله استفاده کرد که پرداخت عین دینار موضوعیت دارد و بدین جهت، جایز خواهد بود که قیمت آن با سایر نقود و نه با کالاهای تجارتي پرداخت شود» (امام خمینی، ۱۳۹/۱).

مرحوم خوئی در این باره می‌فرماید:

«در هر مورد که لفظ درهم و دینار استعمال می‌گردد، آنچه از آنها فهمیده می‌شود فقط مالیتی معین است، بی آن‌که ماده آنها در این میان خصوصیتی داشته باشد. بنابر آنچه گفته شد، مراد از دینار، تنها قیمت و ارزش مالی آن می‌باشد» (خوئی، *التنقیح* ۴۷۸/۶).

نتیجه این‌که در زمان ما که «پول» رایج است، معادل «هزار دینار» از بزه کار گرفته شود و بر این اساس، مشکلات اجرایی و حکومتی ناشی از لزوم پرداخت عین «دینار» و «درهم» و ... حل می‌گردد.

مستند فتوای مشهور در تخییر بزه کار

همچنان‌که گذشت، محور سوم فتوای مشهور، تخییر بزه کار در یکی از موارد

شش گانه است. ابتدا دلیل و مستند قول مشهور را یاد می‌کنیم و سپس به بررسی آن می‌پردازیم. البته روشن است که اگر اصالت دینار یا اصالت شتر را از موارد شش‌گانه بپذیریم، نوبت به این بحث نمی‌رسد.

مشهور در اثبات تخییر بزه کار، غیر از دعوی اجماع، به روایاتی استناد کرده‌اند.

مجموع روایات مربوط، چهار گروه هستند:

۱- روایاتی که موارد شش‌گانه را با کلمه «او» که ظاهر در تخییر است، بر یک‌دیگر عطف کرده‌اند؛ مانند صحیحۀ عبیدالله بن زرارۀ «الدیه الف دینار او اثنا عشر الف درهم او مائه من الابل» و صحیحۀ حلبی، «الدیه عشرة آلاف درهم او الف دینار» (حرعاملی، ۱۴۴/۱۹).

۲- روایاتی که موارد شش‌گانه را با کلمه «و» که ظاهر در جمع است، به یک‌دیگر عطف کرده‌اند؛ مانند موثقه ابی بصیر «دیه المسلم عشرة آلاف من الفضة و الف مقال من الذهب...» (حرعاملی، ۱۴۳/۱۹).

۳- روایاتی که بر هر صنفی، نوع خاصی از دیه را معین کرده است (تنويع)؛ مانند صحیحۀ عبدالرحمان «فرض علی اهل البقر مائتی بقره و فرض علی اهل الشاه الف شاه ثنيه...» (حرعاملی، ۱۴۲/۱۹).

۴- روایاتی که بر ترتیب بدلی موارد شش‌گانه دلالت دارند، مانند صحیحۀ معاویه بن وهب «مائه من فحوله الابل المسان، فان لم یکن ابل فمکان کل جمل عشرون من فحوله الغنم».

مشهور به روایات گروه اول عمل کرده و آن را دلیل بر تخییر بزه کار گرفته‌اند. روایات دسته دوم را به دلیل اجماع بر واجب نبودن جمع موارد شش‌گانه بر بزه کار و روایات گروه سوم را نیز به قرینه اخبار گروه اول و این‌که تنها در مقام تبیین ارفاق و تسهیل است، حمل بر تخییر کردند و روایات گروه چهارم را نیز به سبب آن‌که مورد اعراض مشهور متأخران است، حجت نمی‌دانند.

نقد و بررسی مستند فتوا

اجماع: مخالفت مشهور قدما با تخییر بزه کار بین موارد شش گانه، ادعای اجماع را رد می‌کند و بر فرض وجود آن، به دلیل مدرکی بودن اعتباری ندارد. بلی در مسئله، شهرت متأخران وجود دارد که آن هم حجت نیست.

روایات: آنچه از روایات بر می‌آید، این است که پرداخت دیه برعهده بزه کار است، ولی از آنها «تخییر بزه کار» در انتخاب موارد شش گانه استفاده نمی‌شود. به دیگر سخن، در این جا سه نکته مطرح است:

۱- پرداخت دیه بر عهده کیست؟

۲- در موارد شش گانه تخییر است یا نه؟

۳- چه کسی در انتخاب موارد شش گانه مخیر است؟

اگر توجه مشهور را در حمل روایات بر تخییر بپذیریم، روایات تنها در مقام توضیح و پاسخ نکته اول و دوم است مبنی بر این که پرداخت دیه بر عهده بزه کار است و در موارد شش گانه تخییر است نه تنويع، اما این که چه کسی مخیر است، روایات در این زمینه تصریحی ندارند و مشهور، از جمع نکته اول و دوم، تخییر بزه کار را استفاده کرده‌اند.

ولی با توجه به توضیح زیر، بعید نیست که تخییر در انتخاب موارد شش گانه یا معادل قیمت آنها، از اختیارات حاکم شرع باشد، نه از اختیارات جانی یا ولی دم.

توضیح

موارد شش گانه در بستر زمانها و مکانها در قیمت با یکدیگر، تفاوت بسیاری داشتند؛ از این رو، هر ساله قوه قضائیه طی بخش‌نامه ای بهای هر کدام را به دادگستری‌ها ابلاغ می‌کند.

روشن است که براساس پذیرش اصالت موارد شش گانه و تفاوت چند میلیونی بین موارد، بزه کار همواره دیه ای را برمی‌گزیند که کمترین قیمت را داشته باشد و از

آن طرف ولی دم، بالاترین قیمت دیه را انتخاب می‌کند. حال اگر انتخاب تعیین مورد دیه مطلقاً به بزه کار یا ولی دم واگذار شود، در بسیاری از نزاعها، خود سر منشأ نزاع جدیدی می‌شود، در حالی که هدف از «قضا» پایان دادن به نزاع است، نه ایجاد نزاع جدید.

با توجه به این توضیح، و با توجه به این که دیه، جبران خسارت است و بزه کار و اولیاء دم هر کدام به نفع خود اقدام می‌کنند و یکی کمترین و دیگری بالاترین قیمت را انتخاب می‌کند، بعید نیست که «تخیر قاضی» در انتخاب موارد، ملاک باشد، تا براساس کارهای کارشناسی قتل در نوع قتل و عوارض و آثار اجتماعی آن و ... و قطع نزاع، و نیز جبران عادلانه خسارت یکی از موارد شش گانه را انتخاب کند. روایات ابواب قضا و وظایف قاضی مؤید این موضوع است.

منابع

قرآن کریم

- آبی، زین الدین، *کشف الرموز فی شرح المختصر النافع*، علی الاشتهاردی، حسین الیزدی، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ابن اثیر، *الکامل*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳ ش.
- ابن ادریس، محمدبن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، انتشارات المعارف الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
- ابن براج، *المهذب*، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- ابن خرم، علی بن محمد، *المحلی*، تحقیق احمد محمدشاکر، دارالفکر.
- ابن حمزه طوسی، *الوسیلة الی نیل الفضیلة*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن زهره، *غنیة النزوع*، ابراهیم البهاردی، قم، موسسه امام صادق، ۱۴۱۷ ق.
- ابن قدامه، موفق الذین و شمس الذین، *المعنی*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۳ ق.

- احمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، تهران، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
- ابن ماجه، سنن، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ادریس، عوض احمد، دیه، ترجمه علیرضا فیض، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۲ش.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، خط طاهر خوشنویس، چاپ سنگی.
- البهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع، ابو محمد حسن محمد حسن اسماعیل الشافعی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- الرافعی، عبدالکریم، فتح العزیز، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- الشربینی، محمد بن احمد، الاقناع فی شرح الفاظ ابی الشجاع.
- _____، مغنی المحتاج، مصر، مکتبه مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۷۷ق.
- بجنوردی، محمد، فقه تطبیقی بخش جزایی، تهران، معاونت پژوهشی انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۲ش.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
- حسینی مازندرانی، موسی، العقد المنیر فی تحقیق ما یتعلق بالدرهم و الدنانیر، مکتبه صدوق، ۱۳۸۲ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح و تحقیق ربانی، تهران، اسلامی، ۱۳۹۷ق.
- حلبی، ابی الصلاح، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، مکتبه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق.
- حلی، یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، جمع من الفضلاء، قم، موسسه سیدالشهداء،

١٤٠٥ق.

_____ نزهة الناظر في الجمع بين الأشباة و النظائر، احمد الحسيني، نور الدين الواعظي، نجف، الاداب، ١٣٨٦ق.

حلي، محمد بن الحسن بن يوسف، ايضاح الفوائد في شرح اشكالات القواعد، حسين الموسوي الكرماني و علي پناه الاشتهاردى و عبدالرحيم البروجردى، قم، العلميه، قم، ١٣٨٧ق.

_____، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤١٤ق.

حلى، احمد بن فهد، مهذب البارع في شرح المختصر النافع، تحقيق مجتبى عراقى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٣ق.

حكيم، سيدمحسن، مستمسك العروة الوثقى، قم، آداب، ١٣٨٨ق.
حمزه، ابن عبدالعزيز، المراسم العلوية، تحقيق محسن الحسينى الامينى، قم،المعاونية الثقافية للجمع العالمى لاهل البيت، ١٤١٤ق.

حسينى، محمدرضا، قانون مجازات اسلامى در رويه قضايى، تهران، مجد، چاپ اول، ١٣٨٢ش.

حسينى عاملى، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، مؤسسه اسماعيليان.

خوانسارى، احمد، جامع المدارك، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٦٤ش.

خونى، ابوالقاسم، مباني تكملة المنهاج، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٩٦ق.

خمينى، روح الله، تحرير الوسيله، جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

روحانى، محمد صادق، فقه الصادق، قم، مؤسسه دارالكتاب، ١٤١٤ق.

زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامى، بخش ديانت، تهران، ققنوس، ١٣٨٠ش.

سرخسى، شمس الدين، المبسوط، جمع من الافاضل، بيروت، دارالمعرفه.

سمرقندى، علاء الدين، تحفة الفقهاء، بيروت، دارالكتب العلميه، ١٤١٤ق.

شافعى، محمد بن ادريس، الام، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٣ق.

- شهید ثانی، شرح اللمعة، سید محمد کلانتر، قم، انتشارات داورى، ۱۴۱۰ق.
- _____، مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ۱۴۱۳ق.
- صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____، المقنع، قم، مؤسسة امام هادى، قم، ۱۴۱۵ق.
- _____، الهداية فى الاصول و الفروع، قم، مؤسسة امام هادى، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- طباطبائى، على، رياض المسائل فى بيان الاحكام بالدلائل، بيروت، دارالهادى، ۱۴۱۲ق.
- طباطبائى، محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت، اعلمى، ۱۳۹۳ق.
- طبرى، تاريخ الرسل و الملوك، ترجمة ابوالقاسم پاينده، تهران، انتشارات اساطير، ۱۳۷۳ش.
- طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تهران، مرتضوى، ۱۳۷۵ش.
- طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربى.
- طوسى، محمد بن حسن، المبسوط فى فقه الاماميه، مصحح محمدتقى الكشفى، تهران، مكتبة المرتضوية لا حياء الاثار الجعفرية، ۱۳۷۸ق.
- _____، تهذيب الاحكام، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ق.
- _____، الاستبصار، مكتبة الاسلاميه.
- _____، الخلاف، دارالكتب العلمية.
- _____، النهاية، قم، انتشارات قدس محمدى، بى تا.
- عاملى، محمد جواد، مفتاح الكرامه فى شرح قواعد العلامه، تهران، ۱۳۳۷ق.
- علامه حلى، حسن بن يوسف مطهر، مختلف الشيعة فى احكام الشريعة، مكتبة نينوى الحديثة.

_____ ، ارشاد الاذهان الى احكام الايمان، فارس الحسنون، قم،

موسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ١٤١٠ق.ش.

عوده، عبدالقادر، حقوق جنائی اسلام، ترجمه اكبر غفوری، مشهد، آستان قدس رضوی، ١٣٧٣ش.

_____ ، الشریع الجنائی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت، موسسة الرسالة، ١٤١٣ق.

فاضل لنكرانی، القصاص (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله)، مصحح: حسین الوائقی، محمد مهدی المقصدادی، عبادالله سرشار، قم، مركز فقه الاثمه الاطهار(ع)، ١٤٢١ق.

فاضل الهندی، محمد بن الحسن، كشف اللثام، قم، مكتبة السيد المرعشي، ١٤٠٥ق. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دار احیاء التراث العربی. قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق بین الامامیة و بین الائمة الحجاز و العراق، حسین الحسنی، قم، پاسدار اسلام، ١٣٧٩ش.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، ١٣٦٧ش.

گرجی، ابوالقاسم، دیات، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٨٠ش.

محقق حلی، جعفر بن الحسن، شرایع الاسلام، انتشارات علمیه اسلامیة.

_____ ، شرایع الاسلام، سید صادق شیرازی، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٩ق.

_____ ، المعترف فی شرح المختصر، جماعة من الافاضل، قم، موسسة سيد الشهداء، ١٣٦٤ش.

مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب اسلامیة، ١٣٦٣ش.

مرعشی، سیدمحمدحسن، *دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام*، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۶ش.

مقریزی، تقی الدین علی، *النقود الاسلامیة*، منشورات الرضی، ۱۴۰۷ق.

معلوف، لوئیس، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، بیروت، دارالمشرق.

مفید، محمد بن النعمان، *المقنعة*، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.

مروارید، علی اصغر، *سلسله ینابیع المودة*، موسسه فقه الشیعة، ۱۴۱۰ق.

مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایة فی علم الدرایة*، تحقیق محمدرضا مامقانی، موسسه آل البيت.

محقق اردبیلی، احمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح الازهار*، مجتبی العراقی، علی

پناه الاشتهاردی، حسین الیزدی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.

مرعشی، سیدمحمدحسن، *دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام*، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۶ش.

نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.

نجفی مرعشی، *القصاص علی ضوء القرآن و السنة*، مقرر سید عادل علوی، قم،

کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی، ۱۴۱۵ق.

نووی، بن شرف، *المجموعة شرح المذهب*، بیروت، دارالفکر.

هاشمی شاهرودی، محمود، *بایسته های فقه جزا*، تهران، نشر میزان، تابستان ۱۳۷۸ش.

یحیی بن شرف، *روضة الطالبین*، شیخ عادل، احمد عبدالوجود، بیروت، دارالکتب العلمیة.

مالک بن انس، *الموطأ*، محمد فواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.

_____، *المدونة الكبرى*، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۲۳ق.

